

Original Article

Health role of Associations and Newspapers of Guilan in Mashroote Era

Mohammad Hasan Moradi¹, Azam Esmailzadeh^{2*}, Saeed Sadeghi³

1. Assistant Professor in History Payam Nour University, Iran.

2. Assistant Professor in History Payam Nour University, Iran. (Corresponding Author)

Email: A.esmailzadeh6@gmail.com

3. Assistant Professor in Political Sciences Payam Nour University, Iran.

Received: 3 Feb 2018 Accepted: 3 May 2018

Abstract

Background and Aim: In Iran, during Qajar era, various diseases has spread in Guilan. Different factors such as climate, lack of personal and general hygiene, also shortage of medical equipment, drugs and doctors and other reasons lead to great loss of Guilan's population. Following constitutional revolution, many associations were established in Guilan and various newspapers were published. The aim of this research is study the role of effective associations and newspapers in sanitation evolutions of Guilan during Mashroote era.

Materials and Methods: Using library references via data descriptions and analysis with emphasis on health role of effective associations and their division, also determination and introducing effective newspapers on public health during Mashroote Era in Guilan. This research includes period of time from 1906 AD (first year of Mashroote) to 1911 AD (closure of the second parliament).

Findings: 1. Associations had many various performances about health matters in Mashroote Era, i.e. building hospitals and health clinics, establishing Hefz-alsehah and Baladieh Associations, also establishing department of cleaning-up in order to maintain public health; 2. Newspapers played important roles in awareness of public about health matters via publishing medical and health news, fighting against superstitions and Folk beliefs in curing diseases and invite people to use modern medicine.

Conclusion: Guilans' associations could do some Executive functions in health matters due to their popular base and being recognized by central government as the only official reference between people and government. Guilan's local newspapers in Mashroote era was almost the only available source for public while publishing medical news and related evolutions play a significant role in awareness of Guilans' people about health matters.

Keywords: Guilan; Hygiene; Association; Newspaper; Mashroote

Please cite this article as: Moradi MH, Esmailzadeh A, Sadeghi S. Health role of Associations and Newspapers of Guilan in Mashroote Era. *Med Hist J* 2018; 10(34): 59-70.

نقش‌های بهداشتی انجمن‌ها و روزنامه‌های گیلان عصر مشروطه

محمدحسن مرادی^۱، اعظم اسماعیل‌زاده^{۲*}، سعید صادقی^۳

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: A.esmailzadeh6@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، ایران.

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۳

چکیده

زمینه و هدف: در ایران عصر قاجار بیماری‌های مختلفی در سرزمین گیلان رواج داشته است. عوامل مختلفی چون آب و هوا، عدم رعایت بهداشت فردی و عمومی، نبود وسایل پزشکی و دارو، کمبود پزشک و برخی عوامل دیگر باعث تلفات جمعیت زیادی از مردم گیلان می‌شد. هم‌زمان با تحولات عصر مشروطه، در گیلان تعداد زیادی انجمن تشکیل شد و روزنامه‌های مختلفی به چاپ رسید. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش انجمن‌ها و روزنامه‌های تأثیرگذار در تحولات بهداشتی گیلان در عصر مشروطه می‌باشد.

مواد و روش‌ها: استفاده از منابع کتابخانه‌ای با روش تحلیل و توصیف داده‌ها و تکیه بر نقش‌های بهداشتی انجمن‌های تأثیرگذار و تقسیم‌بندی آن‌ها، شناسایی و معرفی روزنامه‌های تأثیرگذار در بهداشت و سلامت مردم گیلان عصر مشروطه می‌باشد. این مطالعه مقطعی شامل دوره مشروطه از ۱۹۰۶ میلادی نخستین سال مشروطه تا ۱۹۱۱ میلادی، بسته‌شدن مجلس دوم را شامل می‌شود.

یافته‌ها: ۱- انجمن‌ها در خصوص مسائل بهداشتی در عصر مشروطه، عملکردهای مختلفی چون تأسیس بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی، تأسیس انجمن حفظ‌الصحة، ایجاد انجمن بلدیه و تأسیس اداره نظیفات جهت برقراری بهداشت عمومی در شهرها داشتند؛ ۲- روزنامه‌ها در آگاهی‌بخشی مردم در امور بهداشتی از طریق درج اخبار پزشکی و بهداشتی و مقابله با خرافات و باورهای عامیانه در درمان بیماری‌ها و دعوت از مردم جهت استقبال از پزشکی نوین نقش به سزایی داشتند.

نتیجه‌گیری: می‌توان گفت که انجمن‌های گیلان به جهت پایگاه مردمی خود و رسمیت یافتن برخی از آنان توسط حکومت مرکزی که به عنوان تنها مرجع رسمی بین مردم و حکومت مرکزی محسوب می‌شدند، توانستند کارکردهای اجرایی در امور بهداشتی منطقه گیلان ایفا نمایند. روزنامه‌های محلی گیلان عصر مشروطه نیز تقریباً به عنوان تنها منبع قابل دسترس عوام با درج اخبار پزشکی و تحولات مربوطه به آن نقش به سزایی در آگاهی‌بخشی مردم گیلان در امور بهداشتی داشتند.

واژگان کلیدی: گیلان؛ بهداشت؛ انجمن؛ روزنامه؛ مشروطه

مقدمه

جنبش مشروطه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادها در تاریخ ایران است. در پی حکومت مشروطه، انجمن‌های متعددی در گیلان تشکیل شد و برخی روزنامه‌های محلی چاپ گردید. این انجمن‌ها که می‌توان آن‌ها را به دو دسته انجمن‌های رسمی و غیر رسمی تقسیم نمود، در این دوره در کنار نقش‌های سیاسی خود، در شرایط نبود و یا کمبود عوامل اجرایی در امور بهداشتی، در جایگاه یک مرجع رسمی در منطقه، نقش‌های فراوانی در تحولات بهداشتی گیلان ایفا نمودند. برخی از این نقش‌های بهداشتی انجمن‌های گیلان عبارت است از: تأسیس انجمن حفظ‌الصحه، تأسیس انجمن بلدیة که کارکرد اصلی آن نظارت بر وضعیت بهداشتی اماکن عمومی و شهرها بود. ایجاد اداره تنظیفات در برخی شهرها، تأسیس بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی چون اداره قرنطینه و... (۱).

پایگاه مردمی انجمن‌های رسمی گیلان در کنار رسمیت یافتن آن‌ها از طرف حکومت مرکزی باعث شد که انجمن‌های گیلان در طی حضورشان بتوانند گامی عملی در خصوص برنامه‌های بهداشتی خود بردارند. در کنار تشکیل انجمن‌ها، نمی‌توان از نقش‌هایی که روزنامه‌های محلی در تحولات بهداشتی منطقه گیلان داشتند، غفلت نمود. روزنامه‌ها تقریباً به عنوان تنها منبع قابل دسترس عامه، تأثیر فراوانی در زمینه آگاهی بهداشتی و تحولات بهداشتی گیلان داشتند. تبیین و بررسی نقش‌های مختلف بهداشتی انجمن‌ها و روزنامه‌های محلی گیلان، مهم‌ترین مسأله پژوهش حاضر می‌باشد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر، جهت بررسی مسأله پژوهش این است که انجمن‌ها و روزنامه‌های محلی گیلان در عصر مشروطه، چه نقش‌های بهداشتی در گیلان ایفا نمودند؟ پژوهش حاضر با در نظر گرفتن محورهای فعالیت انجمن‌ها و روزنامه‌های محلی گیلان در عصر مشروطه اول و دوم، به روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخگویی به سؤال تحقیق می‌باشد. جستجو در پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که با این عنوان و رویکرد تاکنون پژوهشی انجام نشده است. کتاب «انجمن‌های ایران در عصر مشروطه» اثر دکتر فاروق خرابی و مقاله ایشان

با عنوان «نقش انجمن‌ها در انقلاب مشروطیت» (۲)، از تحقیقات انجام‌شده در خصوص انجمن‌های عصر مشروطه می‌باشند، البته تحقیقات مزبور با تکیه بر عملکردهای مختلف انجمن‌های پایتخت به بررسی انجمن‌های عصر مشروطه می‌پردازد و تنها در موارد جزئی به برخی از عملکردهای انجمن‌های گیلان اشاراتی دارد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و با توصیف و تحلیل داده‌ها و تکیه بر روزنامه‌های محلی و ملی عصر مشروطه گردآوری شده است، به بررسی نقش‌های بهداشتی انجمن‌ها و روزنامه‌های گیلان در عصر مشروطه، در فاصله سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۰۶ می‌پردازد. منابع مورد بررسی عبارتند از:

منابع پژوهش حاضر به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول کتب تاریخی و سفرنامه‌ها می‌باشند. برخی از کتب تاریخی پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- کتاب تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های شرقی اثر سیریل الگود، ترجمه دکتر باهر فرقانی؛ ۲- تاریخ ایران اثر سرپرسی سایکس، ترجمه فخرداعی گیلانی؛ ۳- کتاب تاریخچه بلدیة رشت از مشروطه تا ۱۳۲۰، اثر محمود نیکویه؛ ۴- تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه اثر محسن روستایی؛ ۵- کتاب روزنامه‌های ایران، اثر را بینو، ترجمه جعفر خمami زاده؛ ۶- سلامت مردم ایران در دوره قاجار اثر ویلم فلور، ترجمه ایرج نبی‌پور و...

اهمیت سفرنامه‌ها بیشتر بدان جهت است که مطالب این دسته از منابع حاصل دیده‌ها و شنیده‌های سفرنامه‌نویسان در خصوص وضعیت بهداشت مردم گیلان می‌باشد، از جمله سفرنامه‌های پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- سفرنامه بهلر (جغرافیای رشت و مازندران) به کوشش علی‌اکبر خداپرست؛ ۲- سفرنامه اورسل، ترجمه علی‌اصغر سیدی؛ ۳- سفرنامه هنری بایندر، ترجمه کرامت‌الله افسر.

دسته دوم منابع پژوهش حاضر، روزنامه‌های عصر مشروطه می‌باشد. تکیه اصلی پژوهش بر شمارگان مختلف روزنامه‌های محلی گیلان در عصر مشروطه و برخی از روزنامه‌های ملی می‌باشد. با توجه به معرفی روزنامه‌های محلی در مبحث

یافته‌های پژوهش، تنها به معرفی برخی از شمارگان روزنامه‌های ملی می‌پردازیم.

- روزنامه مجلس: سال ۱۳۲۵، ش ۵۲۹ و ش ۱۱۲.

- روزنامه حیل‌المتین: سال ۱۳۲۶، ش ۲۶۱.

- روزنامه انجمن تبریز: سال ۱۳۲۵، شماره‌های ۳ و ۶۴.

- روزنامه ایران سلطانی: سال ۱۳۲۴، ش ۱۲.

- روزنامه خلاصه‌الحوادث: سال ۱۳۱۶، ش ۱۷.

- روزنامه چهره‌نما: سال ۱۳۲۴، ش ۲۷.

یافته‌ها

بررسی تاریخی اسناد و منابع نشان می‌دهد در عصر مشروطه، انجمن‌های متعدد با نام‌های فراوان در گیلان تشکیل شدند. به دنبال برقراری مشروطیت، موقعیت سیاسی و اجتماعی نوینی در جامعه پدیدار شد. نظام جدید الزامات خود را به همراه آورد که از جمله لزوم نظارت جامعه بر قوای سه‌گانه حکومت و مشارکت مردم در سرنوشتشان بود. در این شرایط یکی از راه‌های شرکت مردم در تعیین سرنوشتشان، تشکیل انجمن‌ها بود، هرچند قبل از انقلاب مشروطیت گروه‌های مختلفی در اجتماعاتی تحت عنوان انجمن‌های مخفی به مبارزه علیه استبداد پرداختند، اما بارزترین تفاوت انجمن‌ها بعد از انقلاب مشروطه رسمیت یافتن بسیاری از آن‌ها و علنی شدن فعالیت انجمن‌های بعد از انقلاب بود. نخستین انجمن ایران در سال ۱۹۰۶ در تبریز و سپس در گیلان، اصفهان و تهران تشکیل شد (۳).

در یک تقسیم‌بندی عمومی، می‌توان انجمن‌ها را به دو دسته انجمن‌های رسمی و انجمن‌های غیر رسمی تقسیم نمود (۲). هم‌زمان با تشکیل انجمن‌های رسمی، انجمن‌های غیر رسمی فراوانی بدون داشتن هیچ‌گونه نظام‌نامه و رسمیتی از حکومت مرکزی تشکیل شدند. بسیاری از اقدامات انجمن‌های غیر رسمی بدون برنامه و هرج و مرج طلبانه بود. سایکس در ضمن ستایش عملکرد انجمن‌های رسمی، کارکرد انجمن‌های غیر رسمی را عمدتاً سیاسی و هرج و مرج طلبانه می‌داند (۴). انجمن‌های رسمی علی‌الخصوص انجمن‌های ایالتی و ولایتی نماینده دولت مرکزی در ایالت بودند و تقریباً در تمام امور

سیاسی و اجتماعی دخالت می‌نمودند (۵). انجمن‌های رسمی گیلان نقش‌های فراوانی در تحولات بهداشتی گیلان ایفا نمودند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که انجمن‌های رسمی گیلان کارکردهای متنوع بهداشتی چون تأسیس بیمارستان، تشکیل انجمن‌های بلدی و اداره تنظیفات که ملزم به اجرای بهداشت عمومی در شهرها بودند و تأسیس انجمن حفظ‌الصحه را در کارنامه بهداشتی خود داشتند. بر این اساس با تکیه به موضوع پژوهش به معرفی انجمن‌های رسمی گیلان در عصر مشروطه می‌پردازیم (جدول ۱).

در عصر مشروطه هم‌زمان با تشکیل انجمن‌ها، روزنامه‌های فراوانی در گیلان منتشر شد. برخی از تأثیرگذارترین روزنامه‌ها در امر بهداشت و سلامت مردم گیلان عصر مشروطه آورده شده است (جدول ۲).

بحث

۱- نگاهی به وضعیت بهداشتی گیلان در آستانه مشروطیت

سرزمین گیلان پهنه‌ای است که از سمت شمال و شمال غربی به دریای کاسپین و جمهوری آذربایجان، از جنوب غربی به استان‌های اردبیل و زنجان، از جنوب به استان قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌شود. این سرزمین از دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تشکیل یافته است. آب و هوای رطوبتی گیلان در کنار عوامل دیگری چون وجود بیماری‌های واگیر در ایران، عدم حضور مراکز بهداشتی و بی‌تفاوتی حکومت مرکزی نسبت به وضعیت بهداشتی گیلان، باعث شده بود که مردم این منطقه در عصر قاجار از وضعیت بهداشتی بسیار نامطلوبی برخوردار باشند. وجود آب و هوای رطوبتی در این منطقه خود عامل بروز کسالت و بیماری‌های فراوانی بود. هنری بایندر در سفرنامه خود در خصوص آب و هوای گیلان چنین می‌نویسد: «گل خندق‌های کنار جاده بوی زننده لجن مردابی را منتشر می‌سازد. اینجا سرزمین پوسیدگی گیاهان است. علف و خزه و قارچ همه جا می‌روید. انسان احساس می‌کند از بخاری مرطوب خیس شده است، زنان اوقات خود را در شالیزارها گذرانده و تمام کارهای پر زحمت را زنان انجام

می‌دهند، در حالی که زنان ظاهراً نیرومند و سالم به نظر می‌رسند. معذالک همه چشمه‌های گود دارند و از تب رنج می‌برند» (۶).

به دلیل آب و هوای رطوبتی و باران‌زایی و شالیزارهای آبی برنج هر فردی با مالاریا آلوده بود. شیوع این بیماری بر بهره‌وری جامعه تأثیر مستقیم داشت، زیرا مردم بیمار اغلب توانایی کار نداشتند و بر تولید محصول کشاورزی هم تأثیر منفی داشت. افت نیروی کار کافی در زمان‌های حساس چرخه کشاورزی مختل می‌کرد (۷). هیچ سازمانی به سلامت عمومی مردم رسیدگی نمی‌کرد. وجود فراوان حشرات ناقل در این منطقه و همچنین غذا و آب آشامیدنی غیر بهداشتی، بر گسترش بیماری‌ها شدت می‌بخشید. پشه‌ها، مگس‌ها و شپش‌ها در همه جا بودند و هیچ اقدامی از طرف حکومت جهت غلبه بر آن‌ها و جلوگیری از شیوع بیماری‌هایی که حشرات می‌توانستند برای انسان ایجاد کنند، صورت نمی‌گرفت. در بسیاری از روستاهای گیلان، روستاییان جهت مقابله با پشه‌ها مجبور به ترک منازل خود و انجام برخی روش‌های سنتی جهت از بین بردن پشه‌ها می‌شدند. اورسل گزارش می‌دهد: «خروج روستاییان گیلانی از منازل خود در فصل تابستان با ایجاد دود غلیظ از راه‌های مقابله با کک و پشه می‌باشد» (۸). تولید و حفظ مواد غذایی با روش‌های غیر بهداشتی انجام می‌شد. بهلر در سفرنامه‌اش در خصوص تولید روغن زیتون در رودبار چنین می‌نویسد: «اهالی نمی‌توانند روغن زیتون را به طوری بگیرند که به مصرف خوردن برسد، بلکه روغن کثیفی از آن می‌گیرند که به جز سوزاندن فایده دیگر بر آن نیست» (۹). بیماری‌های فراوانی چون مالاریا، طاعون، وبا، اسهال، بواسیر و آبله در این ولایت وجود داشت. وجود این بیماری‌ها در کنار قحطی که هر دوشان مکرر شیوع می‌یافتند، باعث از بین رفتن مردمان فراوان و تغییرات جمعیتی در گیلان می‌شد. طاعون در سال ۱۸۳۰ تقریباً دوسوم جمعیت گیلان را نابود کرد (۱۰). روزنامه خلاصه‌الحوادث نیز در خصوص برخی بیماری‌های واگیردار گیلان دروه قاجار چنین می‌نویسد: «ناخوشی اسهال در این اوقات در رشت شیوع دارد و بعضی هم از این مرض تلف می‌شوند. مرض آبله هم در میان اطفال زیاد است و در آن

ولایت چندان اهمیتی به امر آبله‌کوبی نمی‌شود» (۱۱). قبل از عصر مشروطه، به جهت شیوع فراوان آبله در مناطق شمالی، ناصرالدین‌شاه دستور به واکسیناسیون کودکان آن مناطق داد. بر اساس اخبار روزنامه دولتی، مردم گیلان و مازندران رضایتمندانه فرزندان خود را برای واکسیناسیون می‌آوردند (۷). پس از مرگ امیرکبیر، تمام برنامه‌های بهداشتی او متوقف و یا ناکارآمد گردید، به طوری که پولاک از ادامه مایه‌کوبی منع گردید. در سرزمین گیلان نیز در این زمان برخی به مخالفت با مایه‌کوبی آبله پرداخته و آن را متوقف کردند (۱۲).

۲- نقش‌های بهداشتی انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه

در پی تحولات عصر مشروطه انجمن‌های فراوانی در گیلان تشکیل شدند. در یک تقسیم‌بندی عمومی می‌توان انجمن‌ها را به دو دسته انجمن‌های رسمی و انجمن‌های غیر رسمی تقسیم نمود. انجمن‌های رسمی عبارت بودند از:

- انجمن‌های ملی.
- انجمن‌های ایالتی و ولایتی.
- انجمن‌های بلدی.
- انجمن حفظ‌الصحه.
- انجمن‌های غیر رسمی عبارت بودند از:
- انجمن‌های صنفی.
- انجمن‌های سیاسی
- انجمن‌های فرهنگی.
- انجمن‌های اجتماعی با نام‌های مختلف (۲).

یکی از مسائلی که موجبات دخالت انجمن‌های گیلان را در امور اجرایی مربوط به آن فراهم می‌ساخت، بهداشت بود. در طی ماه‌های اولیه دوره مشروطه، انجمن‌های رسمی گیلان اقدامات مثبتی از حیث سلامت عمومی، مبارزه با بیماری‌های واگیر و تشکیل انجمن‌های جدید که در امر بهداشت مردم تأثیر فراوان داشتند، انجام دادند. در زمان حضور حاکمان مستبد و ظلم و ستم‌های آنان به مردم گیلان، انجمن‌های رسمی گیلان در واقع رابط بین مردم و حکومت بودند و در تمامی امور اجرایی ولایت دخالت می‌نمودند. تقریباً اکثر نمایندگان مجلس نیز در این مورد که انجمن‌ها از حدود خود تجاوز می‌نمودند، اتفاق نظر داشتند (۱۳).

ایجاد نهادهای جدید در زمینه بهداشت و درمان، یکی از وجوه اساسی تمایز پزشکی مدرن و سنتی می‌باشد، در این زمینه یکی از اقدامات انجمن ایالتی گیلان به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین انجمن منطقه، تأسیس انجمن حفظ‌الصحه در برخی مناطق گیلان بود. سابقه تشکیل انجمن حفظ‌الصحه در کشور به زمان ناصرالدین‌شاه برمی‌گردد. در ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ ق. دکتر تولوزان سرپزشک با نفوذ ناصرالدین‌شاه اقدام به تأسیس دفتر مرکز بهداشتی به نام مجلس حفظ‌الصحه نمود (۱۲). جلسات این مجلس هفته‌ای یک بار در دارالفنون و به ریاست تولوزان و زیر نظر وزیر معارف برای بررسی امور بهداشتی و طبی و بیماری‌های واگیردار و چگونگی شیوع آن‌ها در ولایات برگزار می‌شد (۱۴). نخستین انجمن حفظ‌الصحه گیلان در عصر مشروطه به حمایت انجمن ایالتی گیلان در ۱۳۲۶ ق. در شهر رشت تشکیل شد، اعضای این انجمن عبارت بود از: ۱- دکتر فریم آمریکایی (جراح) که مدت‌ها ریاست بیمارستان آمریکایی رشت را برعهده داشت؛ ۲- دکتر ابراهیم احساءالسلطنه که از طرف انجمن ایالتی تبریز توصیه شده بود؛ ۳- دکتر ابوالقاسم نقی‌زاده لاهیجان که نویسنده مقالات اجتماعی در روزنامه خیرالکلام هم بود؛ ۴- دکتر مهدی رازی (ارفع‌الحکما)؛ ۵- دکتر سیدمحمد کاشانی؛ ۶- دکتر استاویدس یونانی؛ ۷- دکتر عنایت‌السلطنه؛ ۸- دکتر نورالله‌خان؛ ۹- دکتر رفیع‌خان؛ ۱۰- دکتر کشیش اوغلی (۱۵). عملکرد این انجمن به امور بهداشتی مردم خلاصه می‌شد. این انجمن نه‌تنها در رشت، بلکه در لاهیجان نیز با حمایت‌های انجمن بلدی و ملی تشکیل شد. روزنامه گیلان چنین می‌نویسد: «بلدیه لاهیجان درباب حفظ‌الصحه تشکیل مجلس نمود وکلای انجمن ولایتی و اعیان و تجار و طبقات اصناف حضور داشتند، بعد از مذاکرات زیاد حفظ‌الصحه لاهیجان تشکیل به آقا ضیاءالاطبا واگذار گردید. قرار بود هر ماه بیست و پنج تومان بلدیه به معزی الیه از بابت حفظ‌الصحه بدهد» (۱). تشکیل انجمن‌های حفظ‌الصحه، هرچند پایان مشکلات بهداشتی مردم گیلان نبود، ولی به عنوان نخستین گام‌های بهداشتی انجمن‌های رسمی گیلان می‌توان آن را مثبت ارزیابی نمود. اعضای انجمن حفظ‌الصحه نه‌تنها در رشت و

لاهیجان، بلکه با فرستادن مأموران بهداشتی خود با عنوان حافظ‌الصحه به ولایات مختلف گیلان تلاش در نظارت بر امور بهداشتی مردم داشتند. این انجمن‌ها و اعضای آن‌ها در زمان شیوع آبله مردم گیلان را به امر آبله‌کوبی دعوت می‌کردند. آن‌ها سعی می‌نمودند با ارائه مطالبی بر فوائد آبله‌کوبی و مضار و مفاسد نکوبیدن آبله و دعوت اهالی، توجه آن‌ها را بر اهمیت این کار جلب و نشر نمایند. پس از آن در هر نقطه از مراکز مهم شهر طبیبی حاذق و با تجربه تعیین می‌کردند تا به صورت رایگان آبله افراد را بکوبند (۱۳). در کنار اجرای عمل آبله‌کوبی، تأسیس قرنطینه در بندرهای ایران و تأسیس بیمارستان نیز از وظایف مجلس حفظ‌الصحه بود (۱۶). در سواحل خزر نیز ایستگاه‌های قرنطینه‌ای در انزلی و آستارا ساخته شدند، البته قرنطینه آستارا پس از جنگ جهانی اول تخریب شد و دیگر فعالیتی نداشت. در سال ۱۹۰۷ در انزلی یک پزشک فرانسوی، به عنوان متصدی قرنطینه، ساکن شد. در قرنطینه انزلی یک کادر پزشکی و در قرنطینه آستارا چهار کادر پزشکی وجود داشت (۷). روزنامه خیرالکلام در شماره ۸ خود در خصوص نظر انجمن حفظ‌الصحه گیلان در اجرای قرنطینه در گیلان چنین می‌نویسد: «حکم قرنطینه درباره مسافری است، چه داخلی و خارجی. آیا منحصر به داخلی است؟ آیا این میکروب را همان مسافر ایرانی دارد یا کلیه مسافرین؟ آیا میکروب به آدم تنها می‌چسبد یا به کشتی و ادوات او هم می‌چسبد؟» (۱۷). در امر قرنطینه نه‌تنها انجمن حفظ‌الصحه گیلان، بلکه انجمن ملی گیلان نیز جهت جلوگیری از وبا فعال بود. روزنامه انجمن تبریز در خصوص نقش انجمن ملی انزلی در اجرای قرنطینه چنین می‌نویسد: «دو هفته قبل جناب سیف‌الاطبای تبریزی که یکی از وطن‌پرستان حقیقی و از خیراندیشان است، محض تنظیم قرنطینه و جلوگیری از مرض وبا که در روسیه بروز نموده، به انزلی تشریف آورده قرنطینه را در بندر آستارا تشکیل داده، به حکم انجمن ملی، کشتی‌های تجاری و دولتی بعد از کشیدن مهر قرنطینه، با جواز مفتش آستارا می‌توانند وارد بندر انزلی بشود. این چند روزه چند کشتی بدون جواز آمده، عودت داده‌اند» (۱۸).

انجمن بلدیة گیلان جهت تأمین بهداشت عمومی، صاحبان امراض عمومی و مسری را در حمام‌های عمومی راه نمی‌دادند و آب پاک و سالم به مردم می‌دادند و وسایل صحت مردم را فراهم می‌کردند (۱). نظارت انجمن‌های بلدیة و ملی گیلان بر حمام‌ها، اماکن عمومی و در بسیاری از موارد امر نمودن به تعطیلی مراکزی چون قهوه‌خانه‌ها، همگی در جهت بهبود شرایط بهداشت عمومی بود. انجمن ولایتی گیلان در جهت انجام برخی از وظایف بهداشتی مهم مأموران احتسابیه را امر به انجام این وظایف می‌نمود؛ «احتساب را خواسته از بابت قهوه‌خانه و قمارخانه و سایر تکالیف احتسابیه، خاصه مراقبت حمامات، مسؤولیت قبول کرده و التزام داد که در منع و رفع اعمال قبیحه اهتمام کند» (۲۲).

۳- نقش‌های بهداشتی روزنامه‌های گیلان در عصر مشروطه

در پی حکومت مشروطه، جایگاه جراید در قانون مشخص شد و مطبوعات هرچه بیشتر از قبل به مردم نزدیک شد. شکوفایی مطبوعات نه تنها تهران، بلکه سایر شهرهای کشور را نیز شامل شد و پس از تهران شهرهای تبریز و رشت به سبب داشتن نهضت آزادی‌خواهانه، دست به انتشار روزنامه بیشتری زده و در نشر فرهنگ در بین عامه مردم توفیق زیادی داشتند (۲۳). چاپ روزنامه‌های مختلف در گیلان عصر مشروطه، با محتوای متنوع چون ادبیات، مبارزه با استبداد سیاسی، تشویق و ترغیب به تعلیم و تربیت نوین و رعایت اصول بهداشتی تأثیر به سزایی در روشنگری مردم داشتند.

روزنامه‌های گیلان با اختصاص قسمتی از صفحات خود به درج اخبار پزشکی که خود شامل معرفی پزشکان و داروهای جدید، راه‌های پیشگیری از بیماری‌ها و آموزه‌های پزشکی نوین، مبارزه با خرافات و باورهای عامیانه در درمان بیماری‌ها، تجزیه و تحلیل عملکرد انجمن‌ها و نهادهای تأثیرگذار در امر بهداشت و در برخی موارد معرفی و ذکر تاریخ شروع به کار ادارات بهداشتی، نقش‌های حائز اهمیتی در سلامت و بهداشت مردم گیلان ایفا نمودند.

یکی از مطالب مورد توجه برخی از روزنامه‌های گیلان در عصر مشروطه، باورهای عامیانه بود. برخی از روزنامه‌ها با درج

یکی دیگر از اقدامات انجمن‌های گیلان در مدت حضورشان تأسیس مریض‌خانه بود. انجمن‌های ملی سعی می‌نمودند با گرفتن مالیات از مردم مریض‌خانه‌هایی در گیلان تأسیس نمایند. روزنامه انجمن تبریز در خصوص تلاش انجمن ملی انزلی در ایجاد مریض‌خانه چنین می‌نویسد: «در ایالت حضرت شعاع‌السلطنه، از تجاری که تخم مرغ حمل به روسیه می‌کردند به هر یاشیک، دوازده قران حق الحکومه گذاشته بودند، انجمن ملی نوشته و سپرده هر قدر تخم مرغ حمل به روسیه شود هر یاشیکی، دوازده قران تسلیم انجمن ملی نمایند. از همین پول یک باب مدرسه و یک باب مریض‌خانه درست شود، تا برادران دینی از مرض و نوباوگان از جهالت رسته باشند» (۱۸).

در کنار نقش‌های فعال انجمن‌های ملی و ولایتی و حفظ‌الصحه در سلامت و بهداشت از نقش فعال انجمن‌های بلدی گیلان در جهت تأمین بهداشت عمومی و نظافت شهرها و محلات نمی‌توان غافل ماند. بر اساس قانون تشکیل انجمن بلدی، حفظ منابع شهر و ایفای حوایج اهالی و آذوقه شهر و نظافت و روشنایی و تقسیم آب بر عهده بلدیة بود (۱۹). یکی از اقدامات انجمن بلدی در راستای ایجاد و بهداشت عموم، تشکیل اداره تنظیفه بود. در سال ۱۳۲۴ ق. در روزنامه ایران سلطانی چنین می‌خوانیم: «در این اوقات به امر و اقدام سردار منصور و تلاش انجمن بلدیة اداره تنظیفات برای شهر و خیابان‌های انزلی تأسیس و دایر شد و عمه جاتی کافی برای تنظیفات مقرر و مرتب گردیده که همه روز صبح و عصر تمام کوچه‌ها و بازارها را جاروب‌کشی و آب‌پاشی می‌کنند» (۲۰). اداره تنظیفه زیر نظر انجمن بلدی در گیلان فعالیت می‌نمود. روزنامه چهره‌نما در تعریف عملکرد اداره تنظیفه انزلی می‌نویسد: «اداره تنظیفه انزلی خوب پیش می‌رود، تمامی خیابان‌ها شب‌ها چراغ روشن و روزها پاک می‌شود و خاکروبه را شش کشتی از شهر خارج می‌کنند و اعلان شده که تمامی خانه‌ها صبح به صبح باید کثافات و خاکروبه خانه‌ها را جمع کرده و بیرون درکه، هرچند تعداد صندوق خاکروبه است، بریزند» (۲۱).

این مطالب در بسیاری از موارد با زیر سؤال بردن این باورها در مواردی چون تحصیل، درمان بیماری‌ها با توجه به باورهای عامیانه و معرفی راه‌های جدید پیشرفت و درمان، مردم را آگاه می‌نمودند. باورهای عامیانه در میان جوامع گوناگون گسترش دارد. این نفوذ کم و بیش دارای قدمت دیرینه‌ای است و منعکس‌کننده فرهنگ مردم آن اجتماع است. در بسیاری از موارد این باورها حتی در زمینه پزشکی نیز وارد می‌شوند. در ایران دروه قاجار نیز بسیاری از روش‌های درمانی با خرافات عجین بود و متصدیان درمان مدعیان دروغینی بودند که از سادگی و زودباوری مردم استفاده می‌کردند و از این راه نان در می‌آوردند و به همین علت از دامن‌زدن به خرافاتی که برایشان روزی به ارمغان می‌آوردند، دست برنمی‌داشتند. دروویل در سفرنامه خود از آمیخته‌بودن خرافات با مسائل پزشکی و درمان در ایران یاد می‌کند: «هنگامی که اطبا بر بالین مریض خوانده می‌شوند، ابتدا به نوعی از کتاب‌هایی که فهم آن مشکل و خطوطشان ناخوانا است، مراجعه نمایند و ضمن پیچ و تاب‌دادن به خود و درآوردن ادا و اصول سخنان مرموزی ادا می‌کنند و به بیمار توصیه می‌نمایند که این سخنان را تا آنجا که برایشان میسر است، تکرار نمایند» (۲۴). ویلس نیز در سفرنامه خود در خصوص روش‌های خرافی درمان آبله در ایران چنین می‌نویسد: «ایرانیان هر مریضی را که آبله داشته و به زمان بحران آبله نیز باشد، او را در رختخواب می‌خوابانند و به دواهای نافع‌ای که از خودشان تجویز می‌نمایند به معالجه می‌پردازند» (۲۵).

فخرایی نیز به درج گوشه‌ای از این باورهای عامیانه در مردم گیلان از زبان نسیم شمال می‌پردازد: «به مشدی قاسم گفتم: دختر هشت‌ساله‌ات را وادار درس بخواند و علم و اخلاق بیاموزد تا وقتی که مادر شد، بچه‌اش را عالمانه تربیت کند. گفت: می‌فرستم، بعد از سه ماه معلوم شد که طفل هشت‌ساله را به پیرمرد شصت‌ساله شوهر داد. معصومه خانوم عیال مشدی شعبان مریض بود و روزی سه بار غش می‌کرد. به او گفتم عیالش را بفرست حکیم تا معالجه شود، گفت می‌فرستم انشاءالله. بعد از یک ماه معلوم شد معصومه خانم از بی‌حکیمی و بی‌دوایی مرده و از دنیا رفته است» (۱۵).

هم‌چنانکه در فوق اشاره شد، یکی از متن‌های روزنامه‌های گیلان درج اخبار پزشکی در موضوعات مختلف بود. برای نمونه می‌توان به معرفی داروهای جدید برای درمان بیماری‌ها اشاره نمود. در روزنامه ساحل نجات چنین می‌خوانیم: «دوایی است برای معالجه بواسیر از هر قسم باشد، خارش یا خون. مرض تازه را سه روزه، کهنه ده ساله را، یک‌ماهه علاج می‌کند هر که طالب است، به اداره رجوع کند» (۲۶). موضوع قابل توجه دیگر در اخبار پزشکی روزنامه‌های گیلان معرفی پزشکان در تخصص‌های مختلف بود. در جدول ۳ به عنوان نمونه برخی اعلانات پزشکی چند روزنامه آورده شده است.

صفحه اعلانات روزنامه‌ها، در کنار معرفی پزشکان به مردم گیلان در برخی از موارد اخباری از طبابت برخی پزشکان به مردم می‌دادند. روزنامه ساحل نجات در شماره ۸ خود تحت عنوان طبیب آدم‌کش چنین می‌نویسد: «خلاصه مکتوبی است که حبیب‌الله اجزای تلگراف‌خانه رشت نوشته است، طفل بنده که زیر دندانش به قدر لبه زخم بوده، برای معالجه پیش میرزا مهدی یهودی بردم، دوایی به طفل داد که تمام دهن طفل زخم شد و گوشت دندان‌ها پاک ریخت و خلاصه بعد از هفت روز طفل وفات نمود. به نظمیه و عدلیه عارض شدم. احضاریه رفت، طفره زد، بالاخره گفت که تبعه خارجه هستم» (۲۶). همین روزنامه برای حل مشکلات از این قبیل در خصوص بهداشت مردم بر تشکیل انجمن حفظ‌الصحه تأکید می‌نماید: «اگر اداره حفظ‌الصحه لازم داریم که مردم بیچاره را برای یک تومان حق‌المعالجه و پنج هزار پول دوا، مثل طفل حبیب‌خان فراش تلگراف‌خانه به دوا غلط نکشد، باید انجمن حفظ‌الصحه بخواهیم» (۲۶).

برخی از روزنامه‌های گیلان مطالبی از عملکرد انجمن بلدی در حوزه سلامت و بهداشت در صفحات خود درج می‌نمودند: «عازم دکان شدم، اوضاع شهر را دگرگون یافته، گویی به عالمی دیگر قدم گذرانده‌ام تا چندی قبل که انجمن بلدی تشکیل نشده بود، معابر از کثافت پر بود، ولی اکنون پاک و پاکیزه بود. آب حمام در نهایت نظافت، هر روز به حکم بلدیه عوض می‌کردند، صاحبان امراض عمومی مسری را در حمام‌های عمومی راه نمی‌داد» (۱).

«اخبارات و جراید در این بندر کوچک انزلی به مصرف می‌رسد که فهرست آن را به اداره مطبوعات می‌نویسم تا سایر نقاط مملکت، یعنی آن‌هایی که در بند مطالعه جراید نیستند، بدانند که مطالعه و خریداری جراید یک بر صد، اطلاعات آدم را زیاد می‌کند» (۲۹).

نتیجه‌گیری

در عصر مشروطه هم‌زمان با شکل انجمن‌های مختلف و رسمیت‌یافتن برخی از آن‌ها در گیلان، روزنامه‌های محلی چندی نیز انتشار یافت. هر کدام از انجمن‌ها و روزنامه‌های گیلان نقش‌های مختلفی را در این دوره ایفا نمودند.

پس از رسمیت‌یافتن برخی از انجمن‌های گیلان از سوی حکومت مرکزی، انجمن‌ها توانستند در کنار دیگر نقش‌های خود در بسیاری از موضوعات بهداشتی کارکردهای عملی نیز از خود نشان دهند. هم‌زمان برخی تحولات بهداشتی و تداوم آن در کشور، انجمن‌های رسمی گیلان با تشکیل انجمن حفظ الصحة و حمایت‌های مالی در خصوص تأسیس بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی دیگر همچون اداره قرنطینه و اداره تنظیفات که خود ملزم به اجرای بهداشت عمومی بودند، توانستند نقش‌های مؤثری در تحولات بهداشتی منطقه گیلان ایفا نمایند.

چاپ روزنامه‌های مختلف محلی در کنار تشکیل انجمن‌ها نیز در آگاهی‌بخشی مردم گیلان تأثیر بسیاری داشت. بخشی از روزنامه‌های محلی گیلان با درج اخبار پزشکی چون معرفی پزشکان و داروهای جدید، اطلاع‌رسانی در خصوص شیوع بیماری‌های واگیر، معرفی مراکز بهداشتی جدید و دعوت از مردم به پذیرش و استقبال از تحولات پزشکی نوین، نقش‌های حائز اهمیت بهداشتی را در منطقه گیلان ایفا نمودند، هرچند کمبود امکانات مالی و آموزشی در گیلان، محدودیت‌های فراوانی را در کارکردهای عملی انجمن‌ها و روزنامه‌های گیلان ایجاد می‌نمود، ولی با این وجود می‌توان گفت که پایگاه مردمی انجمن‌های رسمی گیلان و حضور روزنامه‌ها - تقریباً به عنوان تنها منبع قابل دسترس عوام - باعث شد که علی‌رغم کاستی‌هایشان در شرایط نبود یا کمبود عوامل اجرایی در

روزنامه حبل‌المتین یومیه در خصوص عملکرد بهداشتی انجمن بلدیة چنین می‌نویسد: «این انجمن و اداره بلدیة، تنظیمات لازمه را معمول و مجری می‌دارد، کثافات را رفع می‌کند، آب پاک و سالم به مردم می‌دهد، وسایل صحت را فراهم می‌کند» (۲۷).

در برخی از موارد روزنامه‌های گیلان عملکرد مریض‌خانه‌ها را مورد انتقاد خود قرار می‌دادند و در واقع یک منبع شناخت از مریض‌خانه‌ها برای مردم گیلان محسوب می‌شدند. روزنامه گیلان در عملکرد مریض‌خانه رشت چنین می‌نویسد: «چرا مریض‌خانه که فعلاً در رشت دایر است و از جمله مهم‌ترین احتیاجات مملکتی است، هیچ کس اطلاعی از ترتیش ندارد و در مقام تحصیل اطلاع هم برنمیاید که معلوم باشد این مریض‌خانه چند نفر مریض دارد و چطور معالجه می‌کنند» (۱). همچنین روزنامه‌ها در کنار نقد از عملکرد مریض‌خانه‌ها، یک منبع مهم اطلاع‌رسانی در خصوص تأسیس مراکز بهداشتی بودند: «بهمت اهالی محترم رشت، صبح روز چهارشنبه، بنای مریض‌خانه جدید را عمله و بنا گذاشته‌اند. بسیار امیدوارم که از امروز مریض‌خانه را ساخته و پرداخته، تحویل اهالی با غیرت رشت نمایند» (۲۶). مورد اطلاع‌رسانی دیگر به تشکیل اداره قرنطینه در انزلی برمی‌گردد، «اداره قرنطینه از امروز در شهر انزلی تأسیس و شروع به عملیات نموده، والسلام» (۲۷).

تقریباً می‌توان گفت روزنامه‌ها بیشترین سهم را در آگاهی مردم گیلان در خصوص شیوع بیماری‌ها و اگیردار داشتند «بنا به تلگراف نایب‌الحکومه انزلی به حکومت جلیله رشت در انزلی شایع است که مرض وبا عارض و چهار نفر فوت کرده» (۱۷). در ابتدای دوره قاجار مقاومت‌هایی توسط مردم گیلان همچون مردم سراسر ایران در پذیرش پزشکی نوین و روش‌های پزشکی نوین و روش‌های جدید درمانی صورت گرفت، با چاپ و انتشار روزنامه‌های مختلف در دوره مشروطه و آگاهی‌های که از طریق روزنامه‌های در اختیار مردم قرار می‌گرفت، به تدریج این مشکل حل شد.

روزنامه حبل‌المتین در اهمیت نقش روزنامه‌ها در بین مردم و افزایش مطالعه آن در بندر انزلی چنین می‌نویسد:

انجام امور بهداشتی با جلب مشارکت گروه‌های مردمی،
مؤثرترین نقش‌های اجرایی بهداشتی را در منطقه گیلان ایفا
نمایند.

جدول ۱: نام انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه

نام انجمن‌ها	سال تشکیل (شمسی)	مکان تشکیل
انجمن ملی رشت	۱۲۸۵	رشت
انجمن ولایتی	۱۲۸۶	رشت
انجمن بلدیه	۱۲۸۶	رشت
انجمن بلدیه	۱۲۸۶	انزلی
انجمن بلدیه	۱۲۸۶	لاهیجان
انجمن حفظ‌الصحه	۱۲۸۷	رشت
انجمن حفظ‌الصحه	۱۲۸۷	لاهیجان
انجمن معارف	۱۲۸۷	رشت

جدول ۲: روزنامه‌های تأثیرگذار گیلان در امر بهداشت در عصر مشروطه

نام روزنامه	سال انتشار (قمری)	مدیرمسئول
گیلان	۱۳۲۸	محمدکاظم
خیرالکلام	۱۳۲۵	افصح‌المتکلمین
ساحل نجات	۱۳۲۵	افصح‌المتکلمین
حبل‌المتین یومیه	۱۳۲۷	سیدحسن موید کاشانی
انجمن ولایتی گیلان	۱۳۲۵	دبیرالممالک
وصال	۱۳۲۹	میرزا علی اصغر شیرازی

جدول ۳: نمونه اعلانات پزشکی برخی از روزنامه‌های گیلان عصر مشروطه

نام روزنامه	سال و شماره انتشار	اعلان پزشکی
گیلان	س ۱۳۲۹، ش ۴	دکتر لشایندی یونانی که سال‌ها در فرنگ تحصیل کرده و از مدراس طبی یونانی در فرانسه دارای تصدیق‌نامه و دپلوم است، چندی است ورود به رشت نموده و از هر قبیل مرض را معالجه می‌کند و هر روز برای معالجت حاضر است منزلش جنب عمارت کارگذاری است.
ساحل نجات	س ۱۳۲۸، ش ۸	طبيب قونسول گری (دکتر پخاچف) و بانک استقراضی ایران هر روز سه ساعت به ظهر مانده الی ظهر برای دیدن مریض معین است. برای دیدن فقرا هر روز غیر از ایام تعطیل حوالی چهار از ظهر گذشته حاضر است در مریض‌خانه بانک استقراضی.
خیرالکلام	س ۱۳۲۸، ش ۳۲ ص ۴	جناب دکتر عنایت‌الله خان امین‌الاطبا که از محصلین درجه اول مدرسه مبارکه درالفنون است، در معالجه امراض داخلی و جراحی مهارت کامل دارد و جهت طبابت در منزل و محکمه خود که واقع است در جنب خانه مرحوم حاجی میرحبیب مقابل بقعه آسیدابو حمزه همه روزه از دو ساعت از صبح گذشته تا ظهر مقرر و معالجه فقرای مجانانه اقدام می‌نماید.

References

1. Guilan Newspaper. 1328. No.18 p.4; 1325. No.97 p.3; 1326. No.6 p.4; No.9 p.4; No.7 p.2. [Persian]
2. Kharabi F. Role of associations in Mashroot Revolution. *Name Oloom Ejtemaei* 1379; 16: 64-67.
3. Ivanof MS. Mashroot Revolution of Iran. Translated by Ansari K. Tehran: Habibi; 1354. p.73.
4. Sykes SP. Iran's History. Translated by Fakhr Daei Gilani MT. Tehran: Elm Publication; 1362. Vol.2 p.578.
5. Brown E. History of press & literature in Iran during Mashroote Era. Written by Abbasi M. Tehran: Marefat; 1337. Vol.2 p.262.
6. Binder H. Henri Binder's Travelogue. Translated by Afsar KA. Tehran: Farhangsaraye Yasavoli; 1375. p.496-497.
7. Flor W. Public health in Iran During Qajar. Translated by Nabipoor I. Booshehr: Health Research Center of Khalij Fars 1386; p.10, 49, 278.
8. Orsel A. Orsel's Travelogue. Translated by Saeedi AA. Tehran: Zavvar Publication; 1353. p.121.
9. Bohler M. Bohler' Travelogue (during Naser-al-din shah Qajar). Effort by Khodaparast AA. Tehran: Toos Publication; 1354. p.11.
10. Seyf A. Economic of Iranduring 19th century. Tehran: Cheshme Pub; 1373. p.272.
11. Kholase-Alhavades Newspaper. 1316. No.17 p.4.
12. Algod S. History of Medical in Iran & Easterns Lands. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir Publication; 1386. p.41, 571.
13. Majles Newspaper. 1325. No.529 p.2; No.112 p.3.
14. Roostaei M. History of medicine in Iran (from Qajar to the end of Rezashah Era) According to the documents. Tehran: Sazman Asnad & Ketabkhane Melli Iran; 1382. Vol.1 p.146.
15. Fakhraei E. Gilan in Mashroote revolution. Tehran: Amoozesh Enghelab Eslami Publication; 1371. p.39-40.
16. Hekmat EA, Amid M, Safa M, Rasekh SH, Naghibzadeh M, Entrepreneur H, Ardalan F, Moshir Salimi EA. Iranshahr. Nashrieh No.22 commission Melli Unesco dar Iran. Tehran: Chapkhaneh Daneshgah; 1343. Vol.1 p.1404.
17. Kheiro-Alkalam Newspaper. 1325. No.8 p.4; 1328. No.57 p.4.
18. Tabriz's Association Newspaper. 1325. No.3 p.3; No.64 p.2.
19. Nikooye M. History of Municipality of Rasht from Mashroote to 1320. Rasht: Ilia Publication; 1387. p.31.
20. Iran Soltani Newspaper. 1324. No.12 p.4.
21. Chehre-Nama Newspaper. 1324. No.27 p.3.
22. Anjoman-Velayati Newspaper. 1325. No.4 p.4.
23. Rabino HL. Iran's Newspapaers. Translated by Fakhamizadeh J. Tehran: Ettela'at; 1372. p.35.
24. Gaspard D. Gaspard Drouville's travelogue. Translated by Etemad Moghadam M. Tehran: Shabaviz Publication; 1370. Vol.4 p.309.
25. Wils CH. Charles James: Iran's Social History During Qajar Era. Translated by Seyyed Abdollah. Tehran: Zarrin; 1363. p.160.
26. Sahel Nejat Newspaper. 1325. No.4 p.4; 1328. No.8 p.3-4; 1328. No.9 p.2.
27. Habl-o-Almatin Youmieh Newspaper. 1325. No.129 p.4; No.129 p.4.
28. Vesal Newspaper. 1329. No.2 p.4.
29. Habl-o-Almatin. 1326. No.261 p.4.